

The Concept of Law in the Thought of Sheikh Ibrahim Zanjani (with Emphasis on the Details of the Deliberations of the Second and Third Constitutional Parliaments)

Fardin Moradkhani*

Amir Ahmadi**

Abstract

Law is one of the key concepts of the constitutional era. Many constitutionalists considered the law to be the solution to Iran's problems. Sheikh Ibrahim Zanjani was one of the constitutionalist figures who, in addition to his seminary education, due to his interest in the developments of the new era, had studied the works of the Enlightenment and the laws of other countries and was familiar with the concept of law. The purpose of this research is to examine the characteristics of the law, the way the law is implemented and the relationship between the law and the Sharia from the point of view of Sheikh Ibrahim Zanjani. This research has been done using the details of the parliament's deliberations and using the descriptive-analytical method. The results of this research showed that Sheikh Ibrahim Zanjani had a relatively accurate understanding of the concept of law and its characteristics, but he was not familiar with the logic of law and the methods of interpreting laws in modern law.

Keywords: Constitution, Law, Second Parliament, Third Parliament, Sheikh Ibrahim Zanjani.

* Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran
(Corresponding Author), F.moradkhani@basu.ac.ir

** M.A student in Public law, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran, amirahmadi9103@gmail.com

Date received: 14/05/2023, Date of acceptance: 14/11/2023



مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی (با تأکید بر مشروح مذاکرات مجلس دوم و سوم مشروطه)

فردین مرادخانی*

امیر احمدی**

چکیده

قانون از مفاهیم کلیدی عصر مشروطه است. بسیاری از مشروطه‌خواهان قانون را راه‌حل مشکلات ایران می‌دانستند. شیخ ابراهیم زنجانی یکی از چهره‌های مشروطه‌خواه بود که علاوه بر تحصیلات حوزوی، به دلیل علاقه‌اش به تحولات عصر جدید، آثار روشن‌فکران و قوانین سایر کشورها را مطالعه کرده بود و با مفهوم قانون آشنایی داشت. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های قانون، نحوه اجرای قانون، و نسبت قانون و شریعت از منظر شیخ ابراهیم زنجانی است. این پژوهش با بهره‌گیری از مشروح مذاکرات مجلس و با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد شیخ ابراهیم زنجانی فهم به نسبت دقیقی از مفهوم قانون و ویژگی‌های آن داشته، ولی با منطق حقوق و شیوه‌های تفسیر قوانین در حقوق مدرن آشنایی نداشته است.

کلیدواژه‌ها: مشروطه، قانون، مجلس دوم، مجلس سوم، شیخ ابراهیم زنجانی.

* دانشیار حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)،
F.moradkhani@basu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا،
amirahmadi9103@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳



۱. مقدمه

بعد از شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و سؤال عباس میرزا درباره علت عقب‌ماندگی ایران، بسیاری از ایرانیان به دنبال پاسخ به این پرسش برآمدند. یکی از پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شد قانون بود. بسیاری از روشن‌فکران مشروطه قانون را راه‌حلی برای اصلاح کشور می‌دانستند و وجود آن را برای جبران عقب‌ماندگی ایران ضروری تلقی می‌کردند؛ از این رو، قانون به یکی از مفاهیم کلیدی در عصر مشروطه تبدیل شد، تاجایی که برخی انقلاب مشروطه را انقلاب قانون‌خواهی نیز نامیده‌اند.

در ایران، از دوره ناصری، روشن‌فکران سعی کردند که مفهوم قانون را برای ایرانیان بشناسانند که از روشن‌فکران آن دوره می‌توان به ملک‌م‌خان، طالبوف، آخوندزاده، و مستشارالدوله اشاره کرد. فقیهان دومین گروهی بودند که در مورد قانون بحث کردند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس اول، ایران به‌طور رسمی دارای قانون شد. با وجود این، تاریخ تحولات این مفهوم در ایران تاکنون نوشته نشده است. این درحالی است که در اروپا کتاب‌های متعددی برای تاریخ تحولات مفهوم قانون به نگارش درآمده (Tomlins and Grossberg 2008; Maitland and Pollock 2010; Letwin 2005) که برخی از آن‌ها در ایران نیز ترجمه شده‌اند (تیرنی ۱۳۹۳؛ گروسی ۱۳۹۹). ذکر این نکته نیز ضروری است که نوشتن تاریخ تحولات مفهوم قانون در ایران پیش‌نیازهایی دارد که یکی از آن‌ها انجام پژوهش‌هایی درباره مفهوم قانون در آرا و اندیشه شخصیت‌های برجسته است. در چند سال اخیر، پژوهش‌گران متوجه این موضوع شده و پژوهش‌هایی درباره مفهوم قانون را در اندیشه شخصیت‌هایی چون ملک‌م‌خان (مرادخانی ۱۴۰۱)، مستشارالدوله (عباسی و یعقوبی ۱۳۹۹)، و طالبوف (مرادخانی ۱۳۹۸) انجام داده‌اند. شیخ ابراهیم زنجانی یکی دیگر از شخصیت‌های مهم مشروطه‌خواه و طرف‌دار قانون بوده که لازم است مفهوم قانون در آرای وی نیز بررسی شود.

زنجانی زندگی پرفرازونشینی داشت و در نوزده سالگی برای تحصیل علوم دینی به نجف سفر کرد. او در کلاس درس آخوند خراسانی هم حاضر شد (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۶) و پس از نه سال اقامت در نجف به زنجان بازگشت (توانی ۱۳۹۲: ۹۲). زنجانی به دلیل قدرت بیان قوی پله‌های ترقی را طی کرد و پس از پیروزی در مناظره با ورقای بهایی به شهرتش افزوده شد و توانست به اعیان و حاکمان نزدیک شود و از طریق آن‌ها با افکار ترقی‌خواهانه و علوم جدید آشنا شود (غفاری و محمدزاده ۱۳۹۰: ۱۳۶). زنجانی به عنوان نماینده در مجلس دوم و سوم دوره مشروطه حضور داشت و در دوره نمایندگی خود تأثیر زیادی بر روند قانون‌گذاری در

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فردین مرادخانی و امیر احمدی) ۱۹۹

مجلس داشت. او، که خود از روحانیون طرفدار مشروطه بود، دانش فقهی و حوزوی خود را صرف توضیح مفاهیم و مسائل جدید می‌کرد و سعی داشت از این طریق به پیش‌برد اهداف مشروطه کمک کند. نظرهایی که او در طول دوره نمایندگی خود در مجلس اظهار کرده تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است. این درحالی است که دقت نظر او در مفاهیم جدید و اطلاع او از قوانین سایر کشورها او را به مهره‌ای کلیدی در مجلس دوم و سوم تبدیل کرده بود و نظرهای حقوقی وی در این دوره بسیار مهم و شایسته توجه است. در این بین، سخنان او درباره مفهوم قانون دارای اهمیت بیش‌تری است، چراکه علاوه بر بیان اوصاف قانون، درباره نسبت قانون و شریعت نیز اظهار نظر کرده است.

نگارنده به این نکته واقف است که شیخ ابراهیم زنجانی اگرچه مشروطه‌خواه بود، اما از درون سنت به مفاهیم جدید می‌نگریست و درباره آن‌ها می‌اندیشید. او به علت این‌که تحصیلات حوزوی داشت سعی داشت مفاهیم جدید را با استفاده از امکانات فقهی توضیح دهد؛ بنابراین، نباید چنین تصویری داشت که او فردی متجدد بوده است، بلکه مفاهیم جدید را در فضا و بستر فقهی می‌فهمیده است. زنجانی سعی داشت قواعد شرعی را با عقل سازگار کند تا بتواند از آن برای پاسخ به پرسش‌های جدید بهره گیرد. برای نمونه، زنجانی برای نشان دادن سازگاری مشروطیت با اسلام رساله *بستان‌الحق* را نوشت (همان: ۱۲۷). شاید بتوان از این منظر او را شبیه توماس آکویناس در اروپا دانست، چراکه آکویناس در سازگار کردن خرد با کلیسا نقش مهمی داشت و تأسیس قوانین را مبتنی بر خرد می‌دانست (Aquinas 1978: 76).

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی مشروح مذاکرات مجلس دوم و سوم به دنبال پاسخ به این پرسش است که شیخ ابراهیم زنجانی چه فهمی از قانون داشته است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی مواردی چون ویژگی‌های قانون، نحوه اجرای قانون، و نسبت قانون با شریعت در سخنان شیخ ابراهیم زنجانی است.

۲. ویژگی‌های قانون در سخنان شیخ زنجانی

قبل از آن‌که شیخ ابراهیم زنجانی در مورد قانون صحبت کند، پدران بنیان‌گذار مشروطیت ایران در مورد مفهوم قانون صحبت کرده بودند و ضمن ارائه تعریفی از قانون، ویژگی‌های قانون و تبیین نسبت قانون و فقه اذهان جامعه و به خصوص نخبگان ایرانی را با این مفهوم آشنا کرده بودند. میرزا ملک‌خان جزو نخستین روشن‌فکرانی بود که درباره قانون صحبت کرده بود (مرادخانی ۱۴۰۱: ۱۴۰). او برای قانون ویژگی‌هایی قائل بود از جمله صلاح عامه مردم بودن،

درج در روزنامه رسمی، نوشته شدن به زبان فارسی، داشتن عنوان و عدد مشخص، و امضای قانون توسط شاه (ملکم خان ۱۳۲۷: ۲۵). وی همچنین داشتن ضمانت اجرایی را از ارکان اصلی قانون می دانست (ملکم خان ۱۳۸۸: ۱۰۸) و شرط عمده قانون را تصویب آن توسط «دستگاه قانون» عنوان می کرد (مرادخانی ۱۳۹۶: ۳۰۶). طالبوف دیگر روشن فکر عصر مشروطه بود که درباره قانون صحبت کرده بود. وی یکی از دقیق ترین تأملات را درباره قانون داشت (همان: ۱۰۷). او قانون را یکی از اسباب ترقی غرب می دانست (طالبوف ۲۵۳۶: ۹۴). اهداف قانون از نظر وی ایجاد عدالت، سعادت، جلوگیری از تجاوز به حق، اصلاح جامعه، جلوگیری از استبداد، کمک به پیشرفت ایران، و رفاه جان و مال است (مرادخانی ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۱۷). مستشارالدوله، نویسنده رساله یک کلمه، نیز درباره قانون به تأمل پرداخته بود. او با ترجمه قوانین خارجی مخالف بود (مستشارالدوله ۱۳۸۶: ۳۳) و به دنبال پیدا کردن راهی برای تبدیل شریعت به حقوق بود (طباطبایی ۱۳۸۵: ۵۴۷). از نظر مستشارالدوله اوصاف قانون عبارت اند از: عام الشمول و لازم الاجرا بودن، مشتمل بر «همه قوانین معمول بها»، قابل درک بودن برای عموم مردم، معطوف به امور دنیوی مردم بودن، و وضع آن منحصرأ توسط دولت (عباسی و یعقوبی ۱۳۹۹: ۵۱-۵۳).

زنجانی آثار روشن فکران را مطالعه کرده بود (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۵۵) و از این طریق با مفهوم قانون آشنا بود. از همین رو، بیشترین قسمت اظهارنظرهای شیخ ابراهیم زنجانی در مجلس، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، درباره قانون است. به نظر می رسد قانون یک مفهوم کلیدی در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی بوده است. مشخص است که او درباره قانون تأملات دقیقی داشته است، به خصوص این که قوانین سایر کشورها را هم مورد مطالعه قرار داده بود. او در بین سخنرانی های خود در مجلس دوم و هم مجلس سوم به این موضوع اشاره کرده است:

این ترتیب از روی قانون عثمانی است که برای این طور موارد یک دیوان اعلائی تشکیل می دهند که آن را «کنسی دتا» می گویند و چون در موقعی که «کنسی دتا» یعنی مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است این کار رجوع شده است به هیئت وزرا ... (مجلس دوم، جلسه ۱۹۵).^۱

همچنین، در جای دیگری می گوید: «ما هم نگاه کردیم به قانون جاهای دیگر، حتی قانون عثمانی را دیدیم، همین طور است ...» (همان: جلسه ۲۳۶). از شواهد امر چنین برمی آید که او به قانون کشور عثمانی اشراف داشت؛ به هر حال، او در نجف تحصیل کرده بود و با فضای عثمانی آشنایی داشت (زنجانی ۱۳۸۰: ۱۴) و حتی قوانین عدلیه آن کشور را به فارسی ترجمه

کرده بود (ملایی توانی ۱۳۹۲: ۹۷). سخن دیگری از زنجانی در مجلس دوم مؤید این امر است که او با قوانین سایر کشورها نیز آشنایی داشته است: «تقسیم، به این معنی که بعضی را قبول کردن و بعضی را قبول نکردن، در تمام قوانین هست. ما نمی‌توانیم آن را لغو کنیم. از این جهت نوشته‌ایم آن‌چه رد می‌شود پروتست می‌شود و این در تمام قوانین هست» (مجلس دوم، جلسه ۲۵۱). هم‌چنین، در سخن‌رانی دیگری در مجلس دوم، از قوانین خارجه به‌عنوان دلیلی برای سخنان خود استفاده می‌کند: «بنده عرض می‌کنم این قید بطلان یک اصطلاحی است که در قوانین خارجه هست ...» (همان: جلسه ۲۷۰). اطلاع وی از قوانین دیگر باعث می‌شده او در استدلال‌های خود از آن‌ها بهره‌برد و سعی می‌کرده از طریق بهره‌گیری از این تجارب، نواقص طرح‌های پیش‌نهادی مجلس را یادآوری کند تا رفع شوند.

از نظر شیخ ابراهیم زنجانی، قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد^۲ که به چند مورد از آن‌ها در صحبت‌های خود اشاره می‌کند. نخست آن‌که قانون باید کلیت داشته باشد که اشاره به عام‌بودن قانون است: «اگر می‌خواهیم قانونی وضع کنیم بیاید در تمام ایلات کلیت داشته باشد» (همان: جلسه ۲۱۰). کلی و عام‌بودن قانون مهم‌ترین ویژگی قانون است که در دوران جدید به آن تأکید می‌شد و متفکرانی چون لاک، هاکر، روسو، و مونتسکیو درباره آن صحبت کرده‌اند (مرادخانی ۱۳۹۶: ۲۷۳). کلی‌بودن قانون از منظر محدودکردن اقتدار دولت نیز حائز اهمیت است و از این نظر مهم‌ترین ضمانت حقوقی محسوب می‌شود (هداوند ۱۳۸۷: ۱۱)، چراکه از بنیان‌های استقلال قضایی است.

دومین ویژگی قانون، که شیخ زنجانی به آن اشاره می‌کند، این است که قانون باید به صلاح مملکت باشد: «شور در کلیات یک قانونی معنی‌اش این است که وضع کردن همچو قانونی امروزه برای این مملکت صلاح است یا صلاح نیست ...» (مجلس دوم، جلسه ۱۸۹). «صلاح مملکت» از کلیدواژه‌های پرتکرار در مجلس دوم و سوم بود که بسیاری از نمایندگان برای توجیه قانونی که از نظر آن‌ها لازم بود وضع شود استفاده می‌کردند.

سومین ویژگی قانون آن است که باتوجه‌به مقتضیات وقت وضع شود: «مجلس هر قانونی را وضع می‌کند باید در کلیات قانون به‌حسب حال حاضر مملکت و به‌حسب مقتضیات وقت مذاکره و مباحثه کرد» (همان: جلسه ۱۹۹). عبارت «به‌حسب حال حاضر مملکت» اشاره به ویژگی دوم دارد که در بالا به آن اشاره شد و این‌جا هم در کلام شیخ ابراهیم بار دیگر تکرار می‌شود.

چهارمین ویژگی قانون، که به آن اشاره می‌کند، این است که قانون باید باعث راحتی مردم شود: «این قانونی که این‌جا آمده بهترین قانون است که برای راحت عموم این‌جا وضع

می‌کنند» (همان: جلسه ۲۳۲). او در ادامه همین سخنانش اضافه می‌کند که همه مردم باید از قانون منتفع شوند: «این قانون خیلی مهم است می‌خواهیم ... کلیه مردم از این [قانون] منتفع شوند، مالکین و مستأجرین حقوق خودشان را ایفا نمایند که حقوق آن‌ها ضایع نشود ...».

پنجمین ویژگی قانون از نظر وی این است که قانون باید انجام‌شدنی و قابل اجرا باشد. در این باره او در صحن مجلس می‌گوید: «اول باید ترتیب اجرا و ترتیب پیشرفت قانون را دید بعد قانون وضع کرد تا اسباب زحمت ضعفا نشود و دست دولت را هم نبندد و مردم را هم از قانون مزبور [ناراضی] نکند» (همان). زنجان برای قابل اجرا بودن قانون سه دلیل آورده که دو مورد از آن‌ها مربوط به مردم و یک مورد مربوط به دولت است. به نظر می‌رسد «اسباب زحمت ضعفا» اشاره به قاعده «محال بودن تکلیف ما لا یتق» باشد که برگرفته از آیه‌ای در قرآن است (راسخ ۱۳۸۵: ۳۳).

ششمین ویژگی قانون از نظر شیخ زنجان این است که قانون باید توسط مرجع ذی صلاح وضع شود: تغییر اجاره به میل وزیر نیست. تصویب مجلس را هم می‌خواهد. تمام مالیه دولت باید به مجلس بیاید. کمیسیون تفسیر خوبی داشته است که گفته است دارایی و عایدات دولت، که فروخته می‌شود، باید به تصویب مجلس برسد (مجلس دوم، جلسه ۲۷۴). هم‌چنین، او معتقد است که هرگونه تغییر در قانون نیز باید توسط مجلس صورت گیرد: «آن تخفیفی که قانون انجمن‌ها می‌نویسد و انجمن‌ها می‌توانند تصدیق کنند تخفیفی است راجع به آفات سالیانه. ربط [ی] به مالیات ندارد تخفیف با مجلس است» (همان: جلسه ۳۲۷). اشاره او به این‌که تخفیف با مجلس است به این دلیل است که معتقد است اگر نیاز به تخفیف است، نباید خودسرانه انجام شود، بلکه باید توسط مجلس صورت گیرد.

هفتمین ویژگی قانون از نظر وی واضح بودن قانون است و اعتقاد دارد که باید الفاظ و عباراتی در متن قانون به کار روند که دقیق باشند. او در جلسات متعددی به این موضوع اشاره کرده و درباره آن تذکر داده است: باید توضیح [داده] شود که هریک از این اجزا چه وظیفه [ای] دارند. رئیس کل چه باید بکند. رؤسای جزء و مستشاران و ممیزین درجه اول و دوم هکذا. سایرین وظیفه‌شان چیست؟ وظایفی هم که در این جا اسم برده شده مجمل است و معلوم نیست کدام یک راجع به کدام یک از اجزاست (همان: جلسه ۱۴۵).

او در جلسه دیگری هم ضمن طرح این موضوع سخنان دقیقی ایراد می‌کند: «بنده هم عقیده‌ام این است که بانک‌ها و کمپانی‌ها شامل اشخاص نمی‌شود. باید لفظ اشخاص ضمیمه شود» (همان: جلسه ۱۹۲). این سخنان نشان از فهم دقیق او نسبت به تفاوت شخص حقیقی و

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فردین مرادخانی و امیر احمدی) ۲۰۳

حقوقی است و به این دلیل حائز اهمیت است که نظریه شخصیت با دولت مطلقه ارتباط دارد و عنصری از نظریه دولت مطلقه محسوب می‌شود (وینسنت ۱۴۰۱: ۱۱۶). شیخ ابراهیم زنجانی نیز بعدها از حامیان دولت مطلقه در ایران شد (شهبازی ۱۳۸۶: ۲۶۴) و رساله شهریار هوشمند را نوشت. البته پرداختن به این موضوع نیازمند پژوهش مستقلی است و از موضوع این نوشتار خارج است.

شیخ ابراهیم زنجانی در یکی دیگر از جلسات مجلس دوم درباره انتخاب دقیق عبارات در قوانین مصوب مجلس چنین می‌گوید:

«این عبارت صحیح نیست می‌نویسند مگر در صورتی که قبل از صدور حکم قطعی دیوان محاسبات حکم به توقیف اجرا نماید قبل از صدور حکم قطعی جای اجرا نیست و تا حکم قطعی صادر نشده است چه چیز را توقیف می‌کند» (مجلس دوم، جلسه ۱۹۴).

«هم‌چنین، در جای دیگری، می‌گوید «تقاضای تجدیدنظر در مواقع ذیل قابل قبول است» عبارت خوبی نیست؛ یعنی با این ماده سازگار نیست و باید این‌طور اصلاح شود: تقاضای تجدیدنظر در مواقع ذیل باید قبول شود» (همان: جلسه ۱۹۵).

به نظر شیخ زنجانی، یکی از مصادیق بی‌دقتی در نوشتن متن قانون «مخلوط کردن اصطلاح‌ها» یا به عبارتی خلط مفاهیم است.

در شور اول هم بنده این‌جا عرض کردم اصطلاح را که مخلوط می‌کنیم این اسباب اشکال می‌شود. قرار غیر از حکم است. قرار صادر می‌کند که بعد از یک ماه رسیدگی کنند تا بعضی اسناد برسد. این قرار موقتی است. حکم نیست. قرار اعدادی است که کار را برای حکم مهیا می‌کند. قرار قرینه آن است که می‌گویند هرچه در این دفتر نوشته بود و هر دو ملتزم هستیم به آن عمل نماییم. حکم هم همان است یعنی حکم قطعی که قابل تجدیدنظر و اعتراض است (همان: جلسه ۱۹۸).

او هم‌چنین در جلسات ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۵، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۳، و ۳۲۴ مجلس دوم و در جلسه ۷۵ مجلس سوم درباره انتخاب الفاظ و عبارات مناسب در متن قانون و دقت در قانون‌نویسی تذکر داده است که از آوردن تمام آن‌ها در این‌جا اجتناب می‌کنیم.

از بین ویژگی‌هایی که شیخ ابراهیم زنجانی برای قانون ذکر کرده برخی از آن‌ها با ویژگی‌هایی که برخی از پژوهش‌گران معاصر برای قانون برشمرده‌اند منطبق است، از جمله عام‌بودن (راسخ ۱۳۸۵: ۱۸)، واضح‌بودن (همان: ۲۲)، مصوب مرجع ذی‌صلاح‌بودن (همان: ۲۵)، و انجام‌شدنی‌بودن قانون (همان: ۳۳). دو ویژگی عام‌بودن و واضح‌بودن، که شیخ ابراهیم

زنجان برای قانون برشمرده، در بین ویژگی‌هایی که جوزف رز (Raz 1977: 214) و لان فولر (Fuller 1967: 44) برای قانون گفته‌اند هم دیده می‌شود.

گفتنی است که در بین سخنان شیخ زنجان اشاره خاصی به نقش رضایت مردم در ایجاد قوانین نشده است. هم‌چنین، او اشاره‌ای به این که شاه باید ذیل قانون باشد یا شاه فراتر از قانون است نیز نمی‌کند. این بحث در غرب مطرح بود و در انگلستان به صدور مگناکارتا انجامید (کلی ۱۳۸۲: ۲۱۰)، ولی در سخنان شیخ زنجان به آن اشاره نشده است. داشتن ضمانت اجرا از دیگر ویژگی‌های قانون است که در کلام زنجان غایب است.

۳. نحوه اجرای قانون

تنها دغدغه شیخ ابراهیم زنجان وضع قانون نبود، بلکه او به نحوه اجرای قانون نیز توجه بسیاری داشت. در بالا هم اشاره شد که او یکی از ویژگی‌های قانون را قابلیت اجرای آن می‌دانست. در این باره، او جزو کسانی است که به اهمیت «نهاد» پی برده بود و معتقد بود که اجرای قانون به وجود نهادها نیاز دارد:

بنده عرض می‌کنم اولاً این مراتع دولتی کدام است؟ وقتی می‌خواهید مالیات بگیرید، از اسب چه قدر، از گوسفند یا چیز دیگر چه قدر؟ این را چه طور می‌شود معین کرد؟ این کار نیروی انسانی زیادی لازم دارد که بروند آنجا برای ماهی پنج شاهی. آن وقت بعد از سه ماه مشخص نیست آیا مرتب می‌شود یا نه. ما امروزه نمی‌توانیم این کار را اداره کنیم. باید بگذاریم تا تمام ادارات ما اولاً منظم بشود آن وقت دست به این کار بزنیم (مجلس دوم، جلسه ۸۲).

او در همین باره در جای دیگری اداره ثبت اسناد را به دایره ثبت و دفتر راکد کل تقسیم می‌کند و درخصوص ساختار داخلی هریک از آن‌ها را به نمایندگان مجلس توضیح می‌دهد (همان: جلسه ۲۱۸). صحبت‌های ابراهیم زنجان در این باره نشان می‌دهد او به اهمیت نهادها برای اجرای قانون پی برده و می‌دانسته که قانون در معنای خاص مجموعه مقرراتی است که به وسیله نهادها به اجرا درمی‌آید (مرادخانی ۱۳۹۶: ۲۵۹)، ضمن آن که او متوجه تفاوت بین قانون شکلی با قانون ماهوی هم بوده است. در همین باره، درباره ماده ۳ قانون ثبت به توضیح درباره محکمه استیناف و محکمه ابتدایی می‌پردازد و می‌گوید که این ماده به لایحه پیش نهادی دولت الحاق شده، چون به صلاح مملکت است که در مرکز کشور، فهرستی از تمام اسنادی که در ولایات وجود دارد در دفتر راکد کل نیز باشد (مجلس دوم، جلسه ۲۱۸). صحبت‌های او

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فریدین مرادخانی و امیر احمدی) ۲۰۵

درباره آیین دادرسی و قانون ثبت مهم است و لازم است که پژوهش مستقلی درباره آن صورت بگیرد، اما آنچه این جا اهمیت دارد این است که او شناخت دقیقی از لوازم اجرای قانون داشته و قوانین شکلی سایر کشورها را نیز مورد مطالعه قرار داده بوده، به طوری که در استدلال های خود نیز به آنها اشاره کرده است.

شیخ زنجانی تأکید دارد که قبل از وضع قانون باید ترتیب اجرای آن پیش بینی شود:

باید قدری تأمل کرد، این طوری که وزیر داخله گفت اول باید ترتیب اجرا و ترتیب پیشرفت قانون را دید، بعد قانون وضع کرد، تا این که اسباب زحمت آن ضعفایی که می خواهیم اسباب راحت آنها را فراهم بیاوریم، نشود و به علاوه دست دولت را هم که باید آن را اجرا بکند نبندد (همان: جلسه ۲۳۱).

در مجلس سوم هم به این موضوع اشاره می کند: در تمام ملل برای خانه مالیات وضع می کنند. قانون گذار باید اجرای آن را هم در نظر داشته باشد و شاید اجرای این کلیتاً اشکال داشته باشد (مجلس سوم، جلسه ۶۱). این اظهارات زنجانی به خوبی نشان می دهد که او کاملاً متوجه این نکته مهم بوده است که وضع قوانین ماهوی بدون داشتن نهادهای اجرایی و وضع قوانین شکلی بی فایده است، چراکه این دسته از قوانین ناظر به تشریفات و نحوه اجرای قانون هستند و بدون وضع آنها و وجود ادارات و تشکیلات مرتبط با آیین دادرسی امکان اجرای قانون وجود نخواهد داشت.

از نظر شیخ زنجانی، یکی از اسباب اجرای صحیح قانون واضح بودن متن قانون و نبود ابهام در آن است؛ بنابراین، در هرجایی که احساس می کند متن قانون مبهم است تذکر می دهد تا اصلاح شود:

بنده این قانون دیوان محاسبات را نمی دانم چه طور ترجمه شده است و ناقص می دانم. حالا موانعش را می گویم بعد ترتیبش را خودشان بدهند، بلکه اصلاح شود. مثلاً رئیس کل و رؤسای جزء و مستشاران و ممیزان درجه اول و ممیزین درجه دوم هر کدام تکالیفی دارند و باید در این قانون آن تکالیف و وظایف معین شود والا چه طور می شود فهمید که وظیفه ممیزین درجه اول و وظیفه ممیزین درجه دوم چه چیز است و البته ممیزین درجه اول از درجه دوم و همین طور رؤسا از سایرین حقوقشان و رتبه شان بالاتر است باید معلوم شود چه عملی دارند که باید حقوق آنها کم تر باشد و حقوق این ها بیش تر باشد (مجلس دوم، جلسه ۱۴۵).

این ویژگی در اندیشه شیخ زنجانی بسیار برجسته است. برای او مهم است که قانون مبهم نباشد. برای همین در چند جای دیگر از جمله در جلسات ۲۱۰، ۲۵۵، و ۳۱۷ مجلس دوم نیز به

این نکته اشاره می‌کند. از نظر او، ابهام در متن قانون باعث می‌شود که «شعب حدس پیدا شود». او در این باره می‌گوید:

در این ماده این قدر شعب حدس پیدا می‌شود که اگر شخص بخواهد این حرف‌ها را تحت یک قاعده دریاورد ممکن نخواهد شد. یک ترتیبی باید داد که یک مطلب تمام بشود بعد به ماده دیگر رجوع شود. اما آن ماده ترتیب اجازه است که چه طور اجازه بگیرد و اما آن دو ماده ابداً ربط به مالیات ندارد و آن این طرز است که چه طور اجازه می‌گیرد و چه طور مالیات بگیرند مثلاً با صاحب ملک چه کار کنند در اراضی چه طور و اما آمدیم سر مالیات که چه باید کرد (همان: جلسه ۲۰۵).

درواقع، ابراهیم زنجانی معتقد است که مبهم بودن مواد قانونی باعث سردرگمی به‌هنگام اجرای آن‌ها می‌شود و در نتیجه اجرای قانون را با اختلال مواجه می‌کند. علت تأکید شیخ زنجانی در به‌کاربردن الفاظ و عبارات مناسب در قانون از آن جهت است که او پیش‌بینی می‌کند که بی‌دقتی در نوشتن قانون سبب قانون‌گریزی گردد:

در این جا، خیلی دقت لازم است اولاً به مستأجر هیچ مربوط نیست که اسم مالک را بگوید. ثانیاً بر فرض مکلف بودن مستأجر یعنی چه؟ اگر این طور باشد، مالک می‌گوید من منتظر بودم مستأجر اسم مرا به اداره مالیات بگوید، مستأجر هم می‌گوید من انتظار داشتم مالک بگوید، پس باید یا هر دو را عیناً مکلف کرد که هر دو بروند اظهار کنند یا باید اول مالک را مکلف کرد و اگر او تخلف نمود، آن وقت مستأجر برود بگوید ثالثاً این که نوشته شده (در صورت تخلف مسئول خواهند بود) (مسئول خواهند بود) یک لفظ بی‌مقدمه است بسیار خوب مسئول هستند اگر تخلف کردند چه خواهد شد؟ (مجلس سوم، جلسه ۶۲).

درباره اجرای قانون او متوجه این نکته نیز بوده است که باید برای اجرای قانون در صورت لزوم نظام‌نامه‌هایی از سوی وزارت خانه‌های مربوطه وضع شود. شیخ ابراهیم ضمن تمایز بین قانون مصوب مجلس با نظام‌نامه به اقسام نظام‌نامه‌ها نیز اشاره کرده و نظام‌نامه را به دو نوع تقسیم می‌کند: «نظام‌نامه دو قسم است: یکی آن است که برای قوانین و کلیات اداره است و دیگری راجع به ترتیبات داخلی است» (مجلس دوم، جلسه ۲۲۰). منظور شیخ زنجانی از قسم اول نظام‌نامه همان چیزی است که امروزه بیش‌تر با عنوان آیین‌نامه‌های اجرای قانون می‌شناسیم و منظور از قسم دوم نظام‌نامه، که به آن اشاره کرده، همان بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی ادارات و وزارت خانه‌هاست. زنجانی هم‌چنین در مجلس سوم در یکی از سخنان خود اشاره می‌کند که مجازات نباید در نظام‌نامه تعیین شود، بلکه باید در قوانین مصوب مجلس تعیین

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فردین مرادخانی و امیر احمدی) ۲۰۷

شود: «تعیین مجازات در نظام‌نامه غلط است. نظام‌نامه ترتیب اجرا را می‌نویسد. هر مجازات را غیر از مجلس ابداً کسی حق تعیین مجازات را ندارد» (مجلس سوم، جلسه ۶۲). این سخن زنجانی از منظر اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات حائز اهمیت است و به عقیده وی، تعیین مجازات باید توسط مجلس صورت گیرد و غیر از مجلس، هیچ مرجعی صلاحیت تعیین مجازات را ندارد.

۴. نسبت قانون و شریعت

نسبت قانون و شریعت از جمله مسائلی بود که از همان روزهای نخست ورود مفهوم قانون به ایران مورد توجه واقع شد، چراکه بین مفهوم قانون و شریعت هم‌پوشانی‌هایی وجود داشت. درحالی‌که شریعت مجموعه‌مقرراتی است که رابطه مسلمان با معبود خویش، مسلمان با مسلمان، و مسلمان با سایر مخلوقات خداوند را شامل می‌شود (کشاوجی و عبدالله ۱۴۰۱: ۴۸). برخی از پژوهش‌گران قانون را در معنای عام تنظیم‌کننده رفتار انسان دانسته‌اند (Harris 2007: 1). هم‌چنین، ویژگی فقه به‌عنوان بخشی از شریعت این بوده که فقها نقش قانون‌گذار را ایفا کرده‌اند (شاخه ۱۳۸۸: ۱۵).

چون مفهوم قانون ابتدا از طریق روشن‌فکران در ایران مطرح شد، آن‌ها نخستین کسانی بودند که درباره نسبت قانون و شریعت تأمل کردند و سپس فقها نیز در این باره اندیشیدند. نسبت قانون و شریعت از مهم‌ترین پرسش‌های عصر مشروطه بود و پس از مشروطه هم مورد مناقشه واقع شد و تا امروز نیز از موضوعات مورد بحث است. گرچه شریعت در ابتدا شامل موضوعات محدودی می‌شد، ولی با مرور زمان نقش شریعت پررنگ شده بود (کشاوجی و عبدالله ۱۴۰۱: ۱۴۴) و فقه به‌عنوان بخشی از شریعت با تمام ابعاد نظم اجتماعی پیوند خورده بود (حلاق ۱۳۹۹: ۴۱). از سوی دیگر قانون نهادی جدید بود؛ بنابراین، هرکس در دوره مشروطه درباره قانون صحبت می‌کرد لاجرم مجبور بود که نسبت این مفهوم با شریعت را نیز تبیین کند؛ بنابراین، افراد زیادی درباره نسبت قانون و شریعت سخن گفته‌اند. نظرهای حول این موضوع را می‌توان در سه دسته کلی جای داد: ۱. برخی طرفدار محض شریعت بودند و اعتقاد داشتند که باوجود شریعت، نیازی به قانون نیست؛ ۲. عده‌ای دیگر طرفدار قانون بودند و می‌گفتند که دوره شریعت سپری شده است؛ ۳. دسته سوم به تعامل بین این دو معتقد بودند و به‌نوعی راه میانه را انتخاب کرده بودند که خود این دسته دو گروه بودند که گروه نخست اولویت را به شریعت می‌دادند و گروه دوم باوجود اعتقاد به تعامل بین شریعت و قانون به اصالت قانون باور داشتند.

شیخ ابراهیم زنجانی از طرفی به عنوان یک مشروطه خواه، با مطالعه قوانین خارجی، با مفهوم قانون آشنا بود و از سوی دیگر، به عنوان یک تحصیل کرده حوزه نجف، با مفهوم شریعت آشنایی کامل داشت. بررسی نظریات وی در مجلس دوم و سوم نشان می دهد که او جزو کسانی بود که به تعامل بین شریعت و قانون اعتقاد داشت، ولی اولویت را به قانون می داد؛ به عبارت دیگر، او معتقد بود که شریعت می تواند به عنوان یکی از منابع در وضع قانون مورد استفاده قرار گیرد، ولی الزامی به این کار نیست و باید از تجربه دیگر کشورها در وضع قانون استفاده کرد. البته باید نظر وی در مورد مجازات شرعی را استثنایی بر این اعتقاد وی دانست. با توجه به این که نظرهای شیخ در مورد نسبت قانون و شریعت در نطق هایی در خلال تصویب قوانین آمده است، لذا نظرهای وی را به تفکیک صحبت هایی که در مورد قوانین مختلف ابراز کرده در زیر بررسی می کنیم.

۱.۴ اصل دوم قانون اساسی

پس از تدوین متمم قانون اساسی از سوی کمیسیون متشکل از سعدالدوله، تقی زاده، مشاور الملک، امین الضرب، حاج سید نصرالله اخوی، و مستشارالدوله، شرع گرایان به رهبری شیخ فضل الله نوری خواهان تطبیق قوانین با شریعت شدند (دانش کیا ۱۳۸۸: ۶). به این ترتیب، با پافشاری شیخ فضل الله نوری اصل دوم به متمم قانون اساسی افزوده شد. هم تصویب و هم اجرای این اصل به یکی از مهم ترین موارد صف آرایشی شرع گرایان و هواداران قانون مدرن در برابر یک دیگر تبدیل شد. در مجلس اول، اجرای آن چندان پی گیری نشد؛ از سوی دیگر، مجلس اول نیز عزم جدی برای اجرای آن نداشت. جدی ترین پی گیری ها در عصر مشروطه برای اجرای اصل مذکور در دوره مجلس دوم انجام شد، به گونه ای که پی گیری اجرای این اصل در هیچ یک از ادوار بعدی مجلس به مانند مجلس دوم تکرار نشد (ملایی توانی و بیگی زاده ۱۳۹۷: ۱۴۳). پس از کش و قوس های فراوان، سرانجام بیست نفر از سوی علمای نجف معرفی شدند که از میان این بیست نفر، پنج نفر به عنوان هیئت طراز برگزیده شدند^۲، ولی از میان این پنج نفر فقط دو نفر در مجلس حاضر شدند (دانش کیا ۱۳۸۸: ۱۸).

شیخ زنجانی از مخالفان انتخاب پنج فقیه هیئت نظار بود و علت مخالفتش را ابهام در نحوه انتخاب اعضای هیئت نظار و هم چنین انتخاب اعضای هیئت از سوی نمایندگان می دانست: «عرض بنده همان طور که فرمودند اولاً انتخاب پنج نفر برخلاف آن قانون است. ثانیاً اختصاص ندارد به آن پنج نفر. ثالثاً کمال اشکال را دارد برای ما تعیین کردن. رابعاً آقایانی که منتخب می شوند موقتی البته قبول نخواهند کرد» (مجلس دوم، جلسه ۲۴). در همین اظهار نظر زنجانی،

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فردین مرادخانی و امیر احمدی) ۲۰۹

اولویت قانون در تعامل شریعت و قانون به وضوح مشخص است، چراکه دلیل خود برای این مخالفت را «برخلاف قانون» عنوان می‌کند. البته شکی نیست که او از مخالفان تصویب اصل دوم متمم قانون اساسی بود و گرچه دلایل مخالفتش با انتخاب این پنج فقیه دلایلی منطقی بود، او به طور کلی مخالف اجرای این اصل بود، چراکه آن را برخلاف مشروطه می‌دانست.

در جلسات دیگر مجلس دوم نیز در مورد اصل دوم قانون اساسی صحبت شد. علت اختلاف نظر نمایندگان به دو قید «قرعه» و «اتفاق آرا» در متن متمم قانون اساسی برمی‌گشت و در چندین جلسه از مجلس، به این مطلب پرداخته شد که منظور از این عبارات چیست. در یکی از این جلسات در خصوص معنی «قرعه»، شیخ زنجانی تفسیری متفاوت با آنچه این مفهوم در شریعت دارد ارائه می‌دهد و می‌گوید:

من می‌خواهم یک اشتباهی را رفع کنم؛ لفظی که استعمال کرده‌اند اگر چندین سال قبل باشد که ما اطلاع از وضع موضوع له آن نداشته باشیم و حالا در معنای آن گفت‌وگو کنیم و اختلاف شود که آن معنی مراد است یا آن معنی دیگر، چون معنای مراد مشتبه است عیب ندارد و باید مدلل داشت که در این استعمال خاص، این معنی مراد است؛ اما چیزی را که خودمان گفتیم و وضع کردیم مثل لفظ قرعه که الآن اصطلاح در میان ماست جای هیچ اشکال نیست. حالا اگر من بگویم از لفظ قرعه چه می‌فهمید مسلم است همین معنی خاص مصطلح را می‌فهمند و این اشکال ندارد حالا ما چه کار داریم که در اصل لغت چه معنا دارد (همان: جلسه ۱۲۶).

درواقع، منظور شیخ ابراهیم این است که این لفظ را خود نمایندگان وضع کرده‌اند و آن‌ها باید تعیین کنند معنایش چیست و نباید برای مشخص کردن معنای آن به فقه مراجعه کرد.

۲.۴ قانون راجع به منع احتکار و توسعه ارزاق

در خلال مذاکراتی که درباره قانون راجع به منع احتکار در مجلس دوم صورت می‌گیرد، شیخ زنجانی نیز اظهاراتی را بیان می‌کند که از منظر تبیین اعتقاد وی به نسبت قانون و شریعت حائز اهمیت است. او در این باره می‌گوید: «این که احتکار شرعاً حرام است علت نمی‌شود که برای آن قانون نوشته نشود ... این قانون برای جلوگیری از احتکار است» (همان: جلسه ۱۸۹). در این صحبت‌ها، نظر وی درباره نحوه تعامل شریعت و قانون روشن‌تر بیان شده است. او در این جا به وضوح می‌گوید که برای وضع قانون باید به نیازهای کشور توجه کرد و صرف وجود قاعده‌ای در فقه برای وضع قانون کافی نیست. علت چنین اظهارنظری از وی این است که شیخ زنجانی به تفاوت حوزه شریعت و قانون واقف است.

درمورد ماده دیگری از این قانون، که در جلسه‌ای دیگر از مجلس سوم درباره آن بحث شد، شیخ زنجانی با آن مخالفت می‌کند و خواهان بازگرداندن آن به کمیسیون برای اصلاحات است. او علت مخالفت خود با ماده مذکور را پاره‌ای اشکالات در اجرای آن از جمله نبود اداره مدعی‌العموم در همه‌جای ایران «به‌علاوه» مخالفت با شرع عنوان می‌کند:

هرگاه پس از تفتیش و تحقیق بر حکومت و بلدیة محقق [شد] که چه کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده، حکومت حق دارد به‌قول خودش تصور کرده و یک حکم درباره آن‌ها کرده و این غلط است برای خودش دو حکم لازم است. یکی ممکن است اصلاً صورت انبار خودش را ندهد، البته با آن کسی که صورت انبار خودش را داده ولی صورت حقیقی را نداده از حکم نیست، به‌جهت این‌که آن [کسی] که صورت نداده از حکم کلی تخطی کرده است، لکن این‌که صورت داده از حکم کلی تخطی نکرده است. آن‌وقت در مجازات، انبار هر دو را حکومت حق دارد بفروشد اگر می‌خواهند یک مجازاتی قرار بدهند آن مجازات یک چیزی است که این‌جا نیست؛ علاوه‌براین‌که فروختن مال غیر فقط به‌واسطه این تقصیر که صورت جنس خودش را نداده این یک مجازات بزرگی است که تصور نمی‌کنم آن را بتوان در حق او جاری کرد علاوه‌براین‌که موافقت با شرع ندارد ... (همان: جلسه ۲۳۲).

آن‌چه از این اظهارات برمی‌آید این است که اولاً وی به‌صرف مخالفت با شرع با این ماده مخالف نیست، بلکه دلایل دیگری هم دارد که آن دلایل را ابتدا بیان می‌کند و سپس مخالفت با شرع را هم به آن‌ها اضافه می‌کند و ثانیاً مخالفت با شرع را برای قسمت مجازات در نظر دارد، نه کل ماده که در صورت پذیرفتن پیش‌نهادی که ارائه می‌دهد مخالفتش با ماده برطرف می‌شود.

۳.۴ قانون ثبت اسناد

قانون ثبت اسناد از جمله قوانینی بود که هنگام مذاکره درباره آن در مجلس چند بار بحث نسبت قانون و شریعت مطرح شد که شیخ زنجانی هم درباره این موضوع سخن گفت.

آقا محمد بروجردی درمورد ماده ۶۶ پیش‌نهادی کمیسیون، که مقرر کرده بود: «مباشراً ثبت نمی‌تواند برای ثبت اسنادی را قبول کند که موضوع آن و معامله شده است مخالف قوانین شرع و مملکت باشد و اولاً ثبت از درجه اعتبار ساقط است»، از شیخ ابراهیم زنجانی می‌پرسد که این جمله «مخالف قوانین شرع و مملکت باشد» را توضیح دهد که زنجانی در جواب وی چنین پاسخ می‌دهد: «یکی قمار کرده است می‌رود سندش را می‌دهد ثبت کند مخالف قوانین مملکتی معاملاتی است که دولت منع کرده است» (همان: جلسه ۲۲۶). در این‌جا، منظور شیخ

این است که ممکن است برخی از قوانین جاری کشور از شریعت اخذ شده باشند و بنابراین بین قوانین مملکتی و شرع هم‌پوشانی باشد.

بحث بعدی درمورد ماده ۸۹ پیش‌نهادی کمیسیون برای قانون ثبت اسناد بود که یکی از نمایندگان پیش‌نهاد کرد که در متن ماده کلمه «جهات قانونی» تبدیل شود به شرعی که شیخ ابراهیم با این پیش‌نهاد مخالفت کرد و چنین توضیح داد: «این لازم نیست؛ همان جهت قانونی، اعم از شرعی و غیرشرعی [است]، ممکن است جهتی داشته باشد که شرعی نباشد، ولی موجب بطلان سند باشد» (همان: جلسه ۲۲۹). این اظهارنظر شیخ نیز به‌خوبی اعتقاد وی به نحوه تعامل شریعت و قانون را به‌تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که قانون می‌تواند از گزاره‌های شرعی و غیرشرعی تشکیل شده باشد و از نظر وی، لزوماً متشکل از قواعد شرعی نیست.

۴.۴ قانون قبول و نکول بروات

شیخ ابراهیم زنجانی به‌عنوان مخبر کمیسیون عدلیه در پاسخ به کسانی که درمورد ماده یک قانون قبول و نکول بروات ایراد گرفته بود سخنانی ایراد کرد که به‌وضوح می‌توان نظر وی درمورد نسبت قانون و شریعت را فهمید. او دراین‌باره گفت:

یک توضیح لازمی باقی ماند که باید عرض کنم تا این‌که شبهه رفع شود. چون به‌مقتضای شرع محیل و محال له و محال علیه هرگاه هر سه راضی شدند به این‌که حواله به یکی دیگر بشود و او هم قبول کرد دیگر نمی‌تواند رد بکند و مبنای آن قانون که گذشته بود این بود. ولیکن ما از تجار تحقیقات کردیم و راهی که از برای این کار پیدا کردیم این بود که می‌گفتند برات کلیتاً به اعتبار حواله‌دهنده است ... بنده در این خصوص فکر کردم بعد از تأمل زیاد راه شرعی این مسئله را پیدا کرده گفتم آیا این برات‌کردن به تو حواله است گفتند خیر ... ما هم نگاه کردیم به قانون جاهای دیگر حتی قانون عثمانی را دیدیم همین‌طور است یک پروتست عدم قبول هست یعنی من قبول نمی‌کنم که بدهم و یک پروتست عدم ادا هست ... این ترتیب هم ترتیب شرعی است (همان: جلسه ۲۳۶).

او در این توضیحات درابتدا به «مقتضیات شرع» اشاره می‌کند که نشان می‌دهد او برای فهم و توضیح حواله و کارکرد برات به شریعت متوسل می‌شود، چراکه بحث حواله در فقه آمده است و دانش شیخ دراین‌باره از فقه ناشی می‌شود، اما درادامه به تحقیقاتی که از تجار کرده اشاره می‌کند و سپس به قانون سایر کشورها از جمله قانون عثمانی استناد می‌کند.

قانون قبول و نکول بروات به دلیل اشکالاتی که داشت بار دیگر به صحن مجلس بازگشت و در خلال مذاکره درباره آن شیخ زنجانی هم سخنانی ایراد کرد که بار دیگر تأیید دیدگاه وی درباره نسبت قانون و شریعت بود:

این همان اصطلاح تجار که فروش برات می گویند همان است کسی که برات در دست دارد به دیگری حواله می کند این را فروش برات می گویند. در اصطلاح تجار این نگرفتن وجه ندارد. مثل این است که این کاغذی است می فروشد به دیگری. پول می گیرد. او هم می فروشد به دیگری و آن باز به دیگری و مثل اسکناس اعتبار پیدا کرده است. دومی به سومی یعنی کسی که این برات را به دیگری می کند این دیگر پول نگرفتن ندارد. پول گرفته است. این که آقا می فرمایند پس مدیون یک دیگر بودن هم غلط است و رجوع به یک دیگر هم غلط است و حال این که این طور نیست این فروش برات است. نهایت این است که فروش برات را ما اسم نبریم به جهت این که شرعاً تصور ندارد. یعنی معنی ندارد. از این باب گفتیم این قرض است بر ذمه دهنده برات (همان: جلسه ۲۵۱).

او در این سخنان می گوید که چون فروش برات در شرع معنی ندارد، در قانون به آن اشاره نشده است. این صحبت وی نشان می دهد که شیخ زنجانی معتقد است چون احکام مربوط به برات از شریعت اخذ شده اند نباید قانون مربوط به آن با شریعت مغایرت داشته باشد. در این قانون، برای آن که تضادی با مقررات شرعی ایجاد نشود تعریفی از برات ارائه شد که به گفته یکی از حقوق دانان با ماهیت حقوقی این سند تجاری مطابقت ندارد (اسکینی ۱۳۹۵: ۱۵). با این حال، او به عرف تجار برای توجیه صحبت های خود نیز استناد می کند که اشاره مستقیمی به نقش عرف در ایجاد قانون است.

۵.۴ قانون پستی

این قانون در مجلس سوم مورد بررسی قرار گرفت و به هنگام بحث در مورد ماده ۵۳ مجازات شش روز الی یک ماه حبس را برای کسی که تمبر باطله یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را مجدداً مورد استفاده قرار می داد در نظر گرفته بود، شیخ زنجانی گفت:

این جا، در خصوص مجازات بعضی مذاکرات می شود که کانه یک مبنا و اساس خوبی در دست نیست؛ اولاً کسانی که از شرع خبر دارند می دانند که شرع تقصیرات را دو قسم معین کرده است: گناهان کبیره و گناهان صغیره. بعضی را حدود قرار داده که از فلان مقدار بیش تر نباشد ... ماهاً در قانون عرفی من نمی دانم نظر به چه بوده است؛ قانون کلیتاً در تمام

ممالک تقصیرات را به سه قسمت کرده است: یکی را به اصطلاح عثمانی‌ها قباحت می‌گویند درجه دوم را جنحه و درجه سوم را جنایت (مجلس سوم، جلسه ۵۶).

از این اظهارات چنین برمی‌آید که در حوزه مجازات شیخ زنجانی معتقد به «تقنین شریعت» است، به این ترتیب که مجازاتی که در شرع آمده است بدون هیچ‌گونه تغییر و دست‌کاری باید در قوانین گنجانده شود. شاید علت چنین اظهارنظری از سوی شیخ ابراهیم زنجانی به دلیل مخالفت بسیاری از فقها با تدوین قوانین جزایی به شیوه مدرن بوده است. مشروعه‌خواهان نیز اهمیت خاصی برای قوانین کیفری قائل بودند. همین امر هم باعث شد که تدوین این دسته از قوانین بحث‌های زیادی را به هم‌راه داشته باشد و به یکی از چالش‌های اصلی مشروعه‌خواهان بدل شود.

۵. نتیجه‌گیری

شیخ ابراهیم زنجانی از روحانیون مشروعه‌خواه بود که در مجلس دوم و سوم نقش مهمی داشت. از نظر سیر تحول مفاهیم و تاریخ حقوق در ایران، بررسی سخنان او در مجلس دوم و سوم و تبیین مفهوم قانون و نسبت آن با شریعت بسیار مهم است. او متوجه تحولات عصر خود شده بود و سعی داشت با دانش فقهی خود مفاهیم جدید را توضیح دهد. اگرچه در مجلس نمی‌توان مباحث تئوری را مطرح کرد و او هم مجال کمی برای طرح مباحث نظری داشته است، در اندک اشاراتی که وی به مفهوم قانون، ویژگی‌های قانون، و نسبت قانون و شریعت داشته نکات دقیقی به چشم می‌خورد. درواقع، بیش‌تر درعمل سعی داشته دانش تئوریک خود را نشان دهد. سخنان وی در مجلس درباره قانون یادآور مباحث روشن‌فکران و فقهای طرفدار مشروطه از جمله آخوند خراسانی است، کمالین که او در دوره تحصیل در نجف از شاگردان آخوند بوده و تأثیر پذیرفتن از آخوند برای او دور از انتظار هم نیست. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد نکات دقیقی که درباره قانون گفته است به دلیل آشنایی او با نوشته‌های طالبوف بوده باشد، گرچه مطالعه قوانین کشورهای خارجی از جمله قوانین عثمانی در این امر تأثیر داشته است.

او از جمله معدود نمایندگان مجلس دوم و سوم مشروطه بوده که با مفهوم قانون و ویژگی‌های آن آشنایی به نسبت دقیقی داشته و تسلط شیخ زنجانی به مفهوم قانون یکی از علل حضور پررنگ او در روند قانون‌گذاری در این دو مجلس بوده است. او از اعضای فعال و مؤثر کمیسیون عدلیه نیز بوده و به عنوان مخبر کمیسیون عدلیه در صحن مجلس به بسیاری از سؤالات

و ایرادات نمایندگان درباره قوانین تدوین شده در این کمیسیون پاسخ می‌داده که همین موضوع نشان‌دهنده نقش پررنگ او در تهیه و تدوین بسیاری از قوانین مجلس آن دوره بوده است.

از نظر شیخ، باتوجه به سازوکارهایی که در مجلس برای تصویب قانون وجود دارد احکام شریعت می‌تواند به قانون تبدیل شود، ولی لازم نیست که متن قانون فقط احکام شریعت باشد، بلکه باید به قوانین سایر کشورها هم در قانون‌گذاری توجه کرد. به عبارت دیگر، او معتقد است شریعت می‌تواند یکی از منابع وضع قانون باشد. باین حال، او مجازات شرعی را از این نظر خود استثنا می‌کند و معتقد است مجازات شرعی باید عیناً و بدون دست‌کاری تبدیل به قانون شود؛ به عبارت دیگر، او به «تقنین شریعت» در مورد مجازاتی که در شرع مشخص شده باور داشته است، بر همین اساس وی در تنها جایی که ایراد غیرشرعی بودن را مطرح می‌کند در مورد مجازات است. در واقع، او معتقد است در مورد مجازات شرعی، شریعت باید تنها منبع قانون‌گذاری باشد. به نظر می‌رسد نظر وی در مورد نسبت قانون و شریعت تحت‌تأثیر نظرهای مستشارالدوله بوده است، با این تفاوت که مستشارالدوله در مورد مجازات شرعی چنین نظری نداشته و این قسمت از نظرهای شیخ مخصوص خود اوست.

شیخ ابراهیم زنجانی برای تفسیر و توضیح مواد قانونی از اصول فقه بهره می‌گرفت. این موضوع با دیدگاه وی درباره نسبت قانون و شریعت هماهنگی ندارد و بیانگر عدم آشنایی وی با شیوه‌های تفسیر در حقوق مدرن است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تمام ارجاعات به مشروح مذاکرات در این نوشتار از سایت کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس اخذ شده است: <<https://www.ical.ir/fa/mashroohmozakerat>>.

۲. برای مطالعه بیش‌تر درباره ویژگی‌های قانون بنگرید به:

Fuller, Lon L. (1969), *The Morality of Law*, Revised Edition, Yale University Press.

Raz, J. (1979), *The Authority of Law: Essays on Law and Morality*, Oxford University Press.

۳. یک نفر به قید به‌اتفاق آرا و بقیه به قید قرعه.

کتاب‌نامه

تیرنی، برایان (۱۳۹۳)، *دین، قانون، و پیدایش فکر مشروطه*، ترجمه حسین بادامچی و محمد راسخ، تهران: نگاه معاصر.

مفهوم قانون در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی ... (فردین مرادخانی و امیر احمدی) ۲۱۵

حلاق، وائل (۱۳۹۹)، شریعت چیست، ترجمه حمید مسجد سرایی و سیدعدنان فلاحتی، سمنان: دانشگاه سمنان.

دانش کیا، محمدحسین (۱۳۸۸)، «بررسی اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه»، *مطالعات/انقلاب اسلامی*، س ۵، ش ۱۶، ۱۷۹ تا ۲۱۰.

راسخ، محمد (۱۳۸۵)، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، *مجلس و پژوهش*، س ۱۳، ش ۵۱، ۱۳-۴۰.
زنجانی، شیخ ابراهیم (۱۳۸۰)، *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*، به‌اهتمام غلامحسین میرزاصالح، تهران: کویر.
شاخت، یوزف (۱۳۸۸)، *دییاجه‌ای بر فقه اسلامی*، ترجمه اسدالله نوری، تهران: هرمس.
شهبازی، عبدالله (۱۳۸۶)، «زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی»، در: *جریان‌های فکری مشروطیت: مجموعه سخن‌رانی‌ها، مقالات، و ضمائم*، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، *مسالك المحسنين*، به‌کوشش باقر مؤمنی، تهران: شبگیر.

طباطبایی، جواد (۱۳۸۵)، *نظریه حکومت قانون در ایران*، تبریز: ستوده.
عباسی، بیژن و رضا یعقوبی (۱۳۹۹)، «مفهوم قانون در اندیشه مستشارالدوله»، *فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۰، ش ۱، ۳۹-۵۶.

غفاری، مسعود و علی محمدزاده (۱۳۹۰)، «کنش‌های سیاسی متعارض در بستر مشروطه‌خواهی (سیدعبدالله بهبهانی و شیخ ابراهیم زنجانی)»، *تاریخ ایران و اسلام*، دوره ۲۱، ش ۹، ۱۲۱-۱۴۹.
کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی» (۱۴۰۱/۲/۱۵): <<https://www.ical.ir/fa/mashroohmozakerat>>.

کشاوجی، محمد و رفیق عبدالله (۱۴۰۰)، *شناخت شریعت*، تهران: نامک.
کلی، جان (۱۳۸۲)، *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخه تهران: طرح نو.
گروسی، پائلو (۱۳۹۹)، *تاریخ حقوق در اروپا*، ترجمه بهاءالدین بازرگانی گیلانی، تهران: کویر.
مرادخانی، فردین (۱۳۹۶)، *خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران*، تهران: میزان.
مرادخانی، فردین (۱۳۹۸)، «مفهوم قانون در اندیشه طالبوف تبریزی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۱۰، ش ۳۹، ۱۰۷-۱۲۸.

مرادخانی، فردین (۱۴۰۱)، «مفهوم قانون در اندیشه میرزا ملکم‌خان»، *سیاست‌پژوهی اسلامی ایرانی*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷-۱۶۶.

مستشارالدوله (۱۳۸۶)، یک کلمه، به‌اهتمام علیرضا دولتشاهی، تهران: بال.
ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۲)، «هم‌سانی‌های نظری و عملی دو روحانی عصر مشروطه: شیخ ابراهیم زنجانی و میرزا یحیی دولت‌آبادی»، *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، س ۲، ش ۱، ۸۹-۱۱۰.
ملایی توانی، علیرضا و مرضیه بیگی‌زاده (۱۳۹۷)، «بازخوانی مواضع آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی در برابر اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۱۰، ش ۳۶، ۱۳۳-۱۶۰.

ملک‌خان (۱۳۲۷)، *مجموعه آثار میرزا ملک‌خان*، به کوشش محمد محیط طباطبایی، تهران: علمی.
 ملک‌خان (۱۳۸۸)، *رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم الدوله*، به کوشش حجت‌الله اصیل، تهران: نی.
 وینسنت، اندرو (۱۴۰۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
 هداوند، مهدی (۱۳۸۷)، «نظارت قضایی، تحلیل مفهومی تحولات اساسی»، *حقوق اساسی*، ش ۹، س ۷، ۵۶-۷.

Aquinas, T. (1987), *Treaties in Law*, 95, art1, Wash. D. C. Regency Gateway.

Tomlins, C. and M. Grossberg (2008), *The Cambridge History of Law in America*, Cambridge University Press.

Fuller, L. (1969), *The Morality of Law*, Second ed., Yale University Press.

Harris, P. (2007), *Introduction to Law*, Seventh ed., Cambridge University Press.

Raz, J. (1976), *The Authority of Law*, Oxford University Press.

Letwin, S. R. (2005), *On the History of the Idea of Law*, Cambridge University Press.

Maitland, F. W. and S. F. Pollock (2010), *The History of English Law before the Time of Edward I*, Liberty Fund Inc.

کتاب‌نامه‌های فارسی به انگلیسی

Abbasi, Bijan and Reza Yagoubi (2019), "The Concept of Law in the Thought of Mostashar al-Dowleh", *Public Law Studies Quarterly*, vol. 50, no. 1, 39-56 [In Persian].

Danesh Kia, Mohammad Hossein (1388), "Examination of the Implementation of the Second Principle of the Constitutional Amendment", *Islamic Revolution Studies*, vol. 5, no. 16, 179-210 [In Persian].

Ghafari, Masoud and Ali Mohammadzadeh (1390), "Conflicting Political Actions in the Context of Constitutionalism (Seyed Abdullah Behbahani and Sheikh Ibrahim Zanjani)", *History of Iran and Islam*, vol. 21, no. 9, 121-149 [In Persian].

Grossi, Paolo (2019), *The History of Law in Europe*, Bahaddin Gargansi Gilani (trans.), Tehran: Nash Kavir [In Persian].

Hadavand, Mahdi (1387), "Judicial Reveiw, Conceptual Analysis of Fundamental Developments", *Fundamental Rights*, vol. 7, no. 9, 7-56 [In Persian].

Hallaq, Wael (1399), *What is Sharia?*, Hamid Masjid Saraei and Seyed Adnan Fallahi (trans.), Semnan: Semnan University Press [In Persian].

Islamic Council Library, Museum and Documents Center (1398), "Details of the National Council", (1401/2/15) at: <<https://www.ical.ir/fa/mashroohmozakerat> (website)>.

Kelly, John (1382), *A Short History of Western Legal Theory*, Mohammad Rasekh (trans.), Tehran: Tarh-e no [In Persian].

Keshavjee, Mohammad and Rafiq Abdullah (1400), *Understanding Sharia*, Tehran: Namak [In Persian].

Malkam Khan (1948), *The Collection of Works of Mirza Malkam Khan*, by the Efforts of Mohit Tabatabai, no plac: Scientific Publications [In Persian].

- Malkam Khan (2008), *The Treatises of Mirza Malkam Khan Nazim al-Dawlah*, by the Efforts of Hojatullah Asil, Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Molaei Tavani, Alireza and Marzieh Begizadeh (1397), "Rereading the Positions of Ayatollah Seyyed Abulhasan Esfahani Against the Second Principle of the Amendment to the Constitutional Law", *Islamic History Studies*, vol. 10, no. 36, 133-160 [In Persian].
- Molaei Tavani, Alireza (1392), "Theoretical and Practical Similarities of Two Clerics of the Constitutional Era: Sheikh Ibrahim Zanjani and Mirza Yahya Daulatabadi", *Research Journal of Social and Economic History*, vol. 2, no. 1, 89-110 [In Persian].
- Moradkhani, Fardin (1396), *Legal Reading from Iran Constitutional Revolution*, Tehran: Mizan [In Persian].
- Moradkhani, Fardin (1401), "The Concept of Law in the Thought of Mirza Malkam Khan", *Iranian Islamic Research Policy*, vol. 1, no. 1, 137-166 [In Persian].
- Moradkhani, Fardin (1398), "The Concept of Law in the Thought of Talebov Tabrizi", *Studies in Cultural History*, vol. 10, no. 39, 107-128 [In Persian].
- Mostashar Al-Dowleh (2007), *One Word*, by Alireza Dolatshahi, Tehran: Bal Publications [In Persian].
- Rasekh, Mohammad (1385), "Intrinsic and Transverse Characteristics of Law", *Majles and Research*, vol. 13, no. 51, 13-40 [In Persian].
- Schacht, Joseph, (1388), *An Introduction to Islamic Law*, trans. Asadullah Nouri, Tehran: Hermes [In Persian].
- Shahbazi, Abdullah, (1386), "The Life and Times of Sheikh Ibrahim Zanjani", in: *Intellectual Currents of Constitutionalism: A Collection of Lectures*, articles and appendices, digital publisher: Qaemiyeh Computer Research Center of Isfahan. [In Persian]
- Tabatabai, Javad (1385), *Theory of Rule of Law in Iran*, Tabriz: Sotoudeh Publishing [In Persian].
- Talebov, Abdul Rahim (2536), *Masalek al-Mohsenin*, by Bagher Momeni, Tehran: Shabgir Publications [In Persian].
- Tierney, Brian (2014), *Religion, Law and the Emergence of Constitutional Thought*, Hossein Badamchi and Mohammad Rasakh (trans.), Tehran: Negah Moaser Publishing House [In Persian].
- Vincent, Andrew (1401), *State Theories*, Hossein Bashirieh (trans.), Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Zanjani, Sheikh Ibrahim (1380), *Memoirs of Sheikh Ibrahim Zanjani*, by Gholamhossein Mirzasaleh, Tehran: Kavir [In Persian].

